

بنیاد فرهنگی توسعه

تالیوی رقص گونه دیگری از آهنگساز میارز سیروس ملکوتی به نام «اعدام» اجرا شد که از دلهزه های یک زن آزادی خواه در آخرین لحظات قبل از اعدام لو سخن میگفت که در شکل مام وطن حتی فرانسه ایشان برای رهایی به کمک او نمیباشد و قانون گزاران بعد از خودکشی او حتی به بدن سرد شده او شلیک میکنند که در ضمن اجرای این رقص در سالن شاهد روابط اشک بعضی از تمثاچیان شدیم.



در این پرده رقص، قوه خاله ای در آرالاتین را نشان میداد که مرد و زلی عشقانه در آن میرقصند ولی زن چشم به خواننده ای نظر دارد که بیان او و دروغت زبانی او میخواهد و البته حسادت هم ایجاد میشود این اهنگ را ماما صدای **ویگن** به نام **دلستان** یک **علق** شنیده بودیم ولی تسبیح استیم آهنگساز اصلی آن چه کسی بوده است و این بار در روی صحنه در کمال تمثیل خواننده ایشان قسمت را سالم کلاوه که هنرپیشه بسیار قابلی است انجام مینداد که ما به استعداد دیگر او هم در خواندن آشنا شدیم.



خواننده ایرانی مشهور ایرا که متناسبه سمعتی قبل از برآورده از صحنه به زین اتفاق دستش شکست و به پاس احترام مردم با تحمل درد از بیمارستان به صحنه پرگشت. بازخوانی قطمه معرفت **مرگ مسلوق** با صدای **ویگن** با او بود که در اصل این اهنگ اسپایلی بوده و همساء با رقصندۀ اسپایلیوی اجرا شد ولی متناسبه به زین اتفاق رسماً فوق الماده ایشان چون امکان پوشیدن لیلی مخصوص این صحنه و یا حرکت دست ایشان نبود متناسبه رقصندۀ فقط با ایشان همراهی کرد و شورختانه صحنه بدانگونه که باید در اسپایلیا اتفاق میافتد و طراحی شده بود الجام نشد ولی با استقبال فوق الماده مردم روبرو شد.



در قسمت موسیقائی رهبر التکلیسی ارمی اصل تمام برآورده را با در نظر گرفتن فضا و احوالات شرق اجرا کرد و **آرش فیاضی** هنرمند ویژلاند چیده دست ایرانی خواننده قطمه **غروغ علق** از حسین دهلی که ما آن را با صدای زنده **یاد حسین سرشار** خواننده اپرای ایران شنیده بودیم به مهده داشت همچنان الو با خواننده سوپرانو، ارمی اصل **ترزا گودگین**، **جان مریم** را از زنده **یاد محمد نوری** با کلمات فارسی و **ترزا** قطمه **تلوب** موسیقی یوسی ارمستان را که ایرانیان آن را با صدای زنده **یاد** الهه در برآورده تکهای جاویدن با ارکستر **بررسی** **حله** شنیده بودند به دو زبان اجرا کرد. تو آری ها خلاقیت های صحیح بر اساس ریشه های فرهنگی و یاد آوری گوشه های فراموش شده تاریخ و فرهنگ عتی ایران در لفاف موسیقی، رقص و اینچنان هنرمندانه و آگاهانه، کاری است که **بنیاد توسعه** در ۱۰ سال اخیر به تولید آن پرداخته و کمر به همت آن زنده که این تاریخ فراموش نموده چه بسی آسان نر بود که از هنرمندان معروف دعوت میشد و شبی به خوشی میگذشت ولی دست التدریکاران این بنیاد افرادی مستول و متهدی هستند که برای پیشبرد هدفهای فرهنگی بنیاد راحت را به خود حرام کرده اند.

موقتی سازمانها و بنیادهایی با این اهداف فرهنگی و انسانی را آرزو میکنیم

بنیاد فرهنگی توسعه در شب ۱۵ نوامبر با به صحنه کشیدن برنامه ای تحت عنوان **هرنوم یادها و خاطره ها در تیریت** بروگ زنین دیگری به صلکرد ۱۰ ساله گذشته فرهنگی و رنگین خود از قرود برآمد به رقم جوادت تمسکنیه ای که بروان قربانی حادته فرانسه پیش آمده بود با دخالت مقامات امنیتی پلیس اسلامی مظلوم این حادته مراتب تعیین شروع شد و پاس احترام رفتنا و قربانی مظلوم این حادته مراتب تعیین شد و یک دقیقه سکوت در میان به محل آمد **خانم جمیل خواری** بنیاد گزار بنیاد توسعه گفتار و نشکر خود را از حضار با شعری از یکی از قلندران قلم و استادان زبان پارسی دکتر قرشید ور، با این شعر شروع کردند.



این خانه قشک است ولی خانه من نیست این خاک چو پیلات ولی خاک وطن نیست اوله لام و خسته و سرگشته و حیران هر جا که روم بمحیج کجا خانه من نیست با گویند این شهر که زبان حال در هرمندان بی شماری در تقریت بود. حضار به یکباره از نویل زمان حرکت خانه شده و در مسیر مطر آگین روزهای طلای ایران بوده شدند ساختار برنامه بطور کلی گلچینی از اجرای توانی آشنا ای موسیقی هرمندان ایرانی که با در میان مان میستند و با امروز به نقاط مختلف دنیا پرتاب شده اند بود که همراه با پرده های مختلف و پر منای رقص، رنگین شده بود که تعلماً گویای دردهای اجتماعی و یاد آور اوضاع ملتهب سیاسی امروز ایران است.



بنیاد توسعه با اینکارای بسیار ارزشمند شروع برآورده را با طرح یک صحنه حراجی در گشتوی بیکله، شروع کرد که در لان آثار هنرمندان ایرانی چوب حراج میخورد و آخرين اثر که هنرمندگاهی روی جمیه موسیقی بودند بی خردبار باقی ماند و پیرمرد فروشنده با دیدن آن عروسکها بیان روزگارانی افتاد که همان صحنه را با همان هنرمندان مبدید و عروسکها و پیچه برنامه و هنرمندان در ذهن لو زنده شدند و در پایان برآورده باز او ماند و عروسکها و همه دلستند که تکرار آن روزهای خوب فقط در خیال او اتفاق افتد موسیقی این قسمت از زنده **یاد جوان مسروفي** بود.



در یکی از پرده های رقص که به نام **چرم** بود و بر اساس شر احمد شملو و با صدای شاهر ساخته شده بود دیدیم که رقص با دکمه شروع شد **چرم این است** چرم این است، در این زنجیران هستند مردالی که بردار زنان را دوست میدارند در این زنجیران هستند مردالی که در رویابان هر شب، زنی در وحشت مرگ از چکر پریمیکشند فریاد چرم این است چرم این است و در این پرده به مساله اجیار حجایی ظلم تاریخی به زن با تکاونگزرا ای که مرد هستند و بخشیدن مرگ زن به دست مرد بطور واضح دیده می شد.

